

The Responsibility of Teenager Girls to commit crimes Taazir in Imamieh Jurisprudence and Iranian Criminal Law

Misagh Shirazi¹, Abolhasan Shakeri²

Abstract

Girls are children before puberty and then teenagers. In the Islamic Penal Code, if a girl commits Ta'zir before the age of 9, even if she is an adult, she will not be held liable, although they can be considered jurisprudentially deserving of punishment if they have not reached puberty. In Iranian law called it Ta'zir. The guarantee of committing a criminal offense after 9 years to 15 solar years, whether a boy or a girl, even if they are adults and teenagers, is security and educational measures, in which there is no difference between them. If girls commit this after reaching the age of 15, they will be sentenced to the punishment mentioned in Article 89 of the Penal Code, but if boys commit this after reaching the age of 15, if it is still proven They have not reached the age of puberty because the punishment is a branch of criminal responsibility and reaching the age of puberty. They are not sentenced to the punishment mentioned in Article 89 of the Penal Code, which indicates the difference between girls and boys. Considering the application of Ta'zir in Articles 88 and 89 of the Penal Code, which include whether the Ta'zir is prescribed by Shari'a or not, and the narrow interpretation of criminal law in favor of the accused, the guarantee of committing any Ta'zir crime by a teenage girl And the reduced education or punishment mentioned in these articles, which indicates that there is no difference between them.

Key Words: Girl, Adolescent, Punishment, Maturity, Age.

1 Masters of Criminal Law and Criminology, Mazandaran University, Babolsar, Member of Judiciary Lawyers Center.

Email: [Misagh_shirazi@yahoo.com](mailto: Misagh_shirazi@yahoo.com)

2 Associate professor of Department of Criminal law and Criminology, Mazandaran University, Babolsar, Iran.

Email: [Shakeri_criminallaw@yahoo.com](mailto: Shakeri_criminallaw@yahoo.com)

Received 03/03/2021 - Accepted: 11/12/2021



This is an open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

DOI: 10.22034/LTH.2021.248571

مسئولیت دختر نوجوان در ارتکاب جرائم تعزیری در فقه امامیه و حقوق کیفری ایران

میثاق شیرازی^۱، ابوالحسن شاکری^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۲۰

چکیده

دختران تا قبل از سن بلوغ، طفل و پس از آن، نوجوان هستند. در قانون مجازات اسلامی، اگر دختر تا قبل از ۹ سال شمسی، حتی اگر بالغ باشد، مرتکب جرم تعزیری شود، مسئولیتی نخواهد داشت. البته می‌توان آن‌ها را در صورتی که به بلوغ نرسیده باشند، از نظر فقهی، مستحق تنبیه دانست که نمی‌توان آن را در حقوق ایران، تعزیر نامید. ضمانت اجرای ارتکاب جرم تعزیری بعد از ۹ سال تا ۱۵ سال شمسی، چه پسر و چه دختر، حتی اگر بالغ و نوجوان باشند، اقدامات تأمینی و تربیتی است که در این خصوص، تفاوتی بین آن‌ها نیست. اگر دختران پس از رسیدن به سن ۱۵ سال شمسی، مرتکب جرم تعزیری شوند، به مجازات مذکور در ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شوند، ولی اگر پسران پس از رسیدن به سن ۱۵ سال شمسی، مرتکب جرم تعزیری شوند، در صورتی که ثابت شود هنوز به سن بلوغ نرسیده‌اند، چون مجازات فرع بر مسئولیت کیفری و رسیدن به سن بلوغ است، به مجازات مذکور در ماده ۸۹ محکوم نمی‌شوند که دلالت بر تفاوت میان دختران و پسران دارد. با لحاظ اطلاق تعزیر در مواد ۸۸ و ۸۹، که اعم از تعزیر منصوص شرعی یا غیر آن است، و تفسیر مضیق قوانین جزایی به نفع متهم، همچنان باید ضمانت اجرای ارتکاب هر نوع جرم تعزیری توسط دختر نوجوان را برحسب سن، صرفاً اقدامات تأمینی و تربیتی یا مجازات نقصان یافته مذکور در این مواد دانست که دلالت بر عدم تفاوت بین آن‌ها دارد.

واژگان کلیدی: دختر، نوجوان، مجازات، بلوغ، سن.

۱ کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول)

Misagh_shirazi@yahoo.com

۲ دکترای حقوق جزا و جرم شناسی، عضو هیئت علمی گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

Shakeri_criminallaw@yahoo.com

مقدمه

تحقیقاً احکام صادره از دادگاه‌های کیفری باید مبتنی بر واقعیات باشند. از جمله این امور واقعی، سن بلوغ در مرتکبان جرم، اعم از دختران است. در شریعت اسلام، بلوغ از شرایط عامه تکلیف است. بلوغ پدیدهٔ اعجاب‌انگیزی است که در روند رشد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بلوغ، طبق نظریهٔ دانشمندان، انتقال از مرحلهٔ کودکی به بزرگسالی است. در این دوره، تغییرات فیزیولوژیکی در مغز و غدد داخلی بدن، باعث دگرگونی جسمی، روانی و رفتاری چشمگیری می‌شود. در واقع شخصیت نوجوان در این مرحله از زندگی است که ثبات می‌یابد و شکل می‌گیرد (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۸: ۸۱). بنابراین چنانچه دختری بالغ نباشد، مکلف محسوب نمی‌شود. از آنجا که مقررات جزایی اسلام در مورد افراد مکلف اجرا می‌شوند، این احکام در مورد آن‌ها اجرا نخواهد شد، ولی رفتار ناصواب صغار نیز بی‌پاسخ نیست. فقها عموماً زنا، سرقت و دیگر جرایم موجب حد صغیر، اعم از ممیز و غیرممیز را مشمول مجازات حد نمی‌دانند و حکم به تأدیب آن‌ها می‌دهند (ابن‌براج، ۱۴۰۶: ۵۵۵؛ ابن‌زهرة، ۱۴۱۷: ۴۳۳). طبق مادهٔ ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی، دختران در سن ۹ سال قمری بالغ می‌شوند، ولی واقعاً تردید است که همهٔ دختران، در قلمرو گستردهٔ جغرافیایی ایران، در سن ۹ سال قمری بالغ شوند؛ برخی در سنین کمتر از ۹ سال و برخی در سنین بیشتر از ۹ سال قمری بالغ می‌شوند (زراعتی، ۱۳۸۴: ۵۲۴) که تحقیقاً دست‌کم با نشانه‌ای در بدن، خود را نشان می‌دهد، وگرنه باید تابع سن بود که فقهای امامیه در این خصوص، نظرات مختلفی دارند (نجفی، ۱۳۸۶: ۵/۲؛ طبرسی، ۱۴۰۶: ۳۸۴/۲؛ طوسی، ۱۳۹۰: ۳۱۸/۴). حسب مقررات مذکور در قانون مجازات اسلامی، دختران بعد از رسیدن به سن بلوغ، تا سن ۱۸ سال تمام شمسی، نوجوان محسوب می‌شوند. در این مقاله، به مسئولیت دختران نوجوان در ارتکاب جرم تعزیری پرداخته شده‌است. کسی که تعهدی برعهده می‌گیرد مسئول است و اگر از انجام آن سر باز زند، از او بازخواست می‌شود که این بازخواست همواره با التزام و مسئولیت همراه است (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۱۴۶/۲) مسئولیت، در لغت، به معنی موظف بودن به انجام دادن امری است (معین، ۱۳۷۱: ۴۰۷۷) که برحسب موضوع آن، انواع مختلف دارد، مثل مسئولیت مدنی، مسئولیت اداری یا مسئولیت کیفری. مسئولیت کیفری الزام شخص به پاسخگویی آثار و نتایج جرم است (میرسعیدی، ۱۳۸۳: ۲۱) که عموماً مجازات است، زیرا در این اشخاص، قابلیت تحمل مجازات وجود دارد. مجازات‌ها به استناد مادهٔ ۱۴ قانون مجازات اسلامی، چهار قسم‌اند: حد، قصاص، دیه و تعزیر. تعزیر مجازات تعزیری در مادهٔ ۱۸ قانون مجازات اسلامی آمده‌است: «تعزیر

مجازات‌های است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون، در موارد محرمات شرعی یا نقص مقررات حکومتی، تعیین و اعمال می‌گردد. نوع، مقدار، کیفیت اجرا و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می‌شود.^۱ مطابق ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی ایران، مجازات تعزیری فرع بر داشتن مسئولیت کیفری است که موجب آن رسیدن به بلوغ و داشتن عقل و اختیار است.

تا قبل از تدوین اولین قانون راجع به جرایم و مجازات‌ها، به واسطه اعتقادات و باورهای عمومی، مقررات اسلامی برگرفته از شرع و برداشت فقها حاکم بر رفتارهای ناپسند اجتماعی بود که در این خصوص، حسب هر منطقه، چون در نظر و رویه عملی، سن بلوغ دختران مختلف بود، مسئولیت کیفری آن‌ها در قبال ارتکاب جرم تفاوت داشت. بعد از جنبش مشروطیت در ایران، اولین قانون در سال ۱۳۰۴، تحت عنوان «قانون مجازات عمومی» به تصویب رسید. در ماده ۳۴ این قانون^۱، اشخاص زیر ۱۲ سال غیرممیز بودند و به سبب ارتکاب جرم، به هیچ ضمانت‌اجرایی محکوم نمی‌شدند. در مواد بعدی این قانون، اشخاص بعد از سن ۱۲ سال، به واسطه ارتکاب جرم، با بالا رفتن سن (تا ۱۸ سالگی)، به تدریج با ضمانت‌اجراهای شدیدتری مواجه بودند، ولی بعد از ۱۸ سالگی، در صورت ارتکاب جرم، به مجازات خاص آن جرم در قانون محکوم می‌شدند. در سال ۱۳۵۲، قانون مجازات عمومی اصلاح شد. در ماده ۳۳ این قانون، اطفال تا ۶ سال، غیرممیز و قابل تعقیب جزایی نبودند. پس از این سن، به تدریج تا ۱۸ سالگی، در صورت ارتکاب جرم، با ضمانت‌اجرای مذکور در این قانون مواجه می‌شدند.

بعد از انقلاب اسلامی، قانون راجع به مجازات اسلامی در سال ۱۳۶۱ به تصویب رسید. در ماده ۲۶ این قانون^۲، اطفال به مفهوم اشخاص نابالغ اعم از ممیز و غیرممیز بود که در صورت ارتکاب جرم، مشمول

(۱) ماده ۳۴ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴: «اطفال غیرممیز را نمی‌توان جزئاً محکوم نمود. در امور جزایی، هر طفلی که دوازده سال تمام نداشته باشد حکم غیرممیز را دارد. در صورتی که اطفال ممیز غیربالغ مرتکب جرمی شوند، باید به اولیای خود تسلیم گردند، با التزام به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق آن‌ها.»

(۲) ماده ۲۶ قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱: «اطفال در صورت ارتکاب جرم، مبری از مسئولیت کیفری هستند و تربیت آنان به نظر دادگاه، به عهده سرپرست اطفال و عندالافتضا کانون اصلاح و تربیت اطفال می‌باشد.

تبصره ۱: منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد.

تبصره ۲: چنانچه غیربالغ مرتکب قتل و جرح و ضرب بشود، عاقله ضامن است، لکن در مورد اتلاف مال اشخاص، خود طفل ضامن است و ادای آن به عهده ولی طفل می‌باشد.

اقدامات مذکور در این قانون بودند. در قانون مجازات سال ۱۳۷۰، در ماده ۴۹، به اطفال، یعنی نابالغان، اشاره شده و بالغان، اعم از این که زیر ۱۸ سال یا بالاتر از آن باشند، در صورت ارتکاب جرم تحت رژیم خاصی نبودند. با وضع قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲، مطابق با مواد ۲۸۸ و ۱۸۹ این قانون، نوع و

تبصره ۳: در جرایم مهمه، هرگاه برای تربیت اطفال بزهکار، تنبیه بدنی آنان ضرورت پیدا کند، تنبیه بایستی به کیفیتی باشد که دیه به آن تعلق نگیرد.»

در این قانون، تعریف دقیقی از طفل ارائه نشده است و مسئولیت کیفری با توجه به جنسیت هم متفاوت می‌باشد. از قوه تمیز و سن تمیز نیز سخنی به میان نیامده است. در مورد جرایم مهمه و غیرمهمه نیز منظور روشن نیست.

(۱) ماده ۴۹: «اطفال در صورت ارتکاب جرم، مبری از مسئولیت کیفری هستند و تربیت آنان با نظر دادگاه، به عهده سرپرست اطفال و عدالاقضا کانون اصلاح و تربیت اطفال می‌باشد.

تبصره ۱: منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد.

تبصره ۲: هرگاه برای تربیت اطفال بزهکار، تنبیه بدنی آنان ضرورت پیدا کند، تنبیه بایستی به میزان و مصلحت باشد.»

(۲) ماده ۸۸: «در باره اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرایم تعزیری می‌شوند و سن آن‌ها در زمان ارتکاب، نه تا پانزده سال تمام شمسی است، حسب مورد، دادگاه یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ می‌کند:

(الف) تسلیم به والدین یا اولیا یا سرپرست قانونی یا اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان. تبصره: هرگاه دادگاه مصلحت بداند، می‌تواند حسب مورد، از اشخاص مذکور در این بند، تعهد به انجام اموری از قبیل موارد ذیل و اعلام نتیجه به دادگاه، در مهلت مقرر را نیز اخذ نماید:

- (۱) معرفی طفل یا نوجوان به مددکار اجتماعی یا روان‌شناس و دیگر متخصصان و همکاری با آنان،
- (۲) فرستادن طفل یا نوجوان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه‌آموزی،
- (۳) اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان تحت نظر پزشک،
- (۴) جلوگیری از معاشرت و ارتباط مضر طفل یا نوجوان با اشخاص، به تشخیص دادگاه،
- (۵) جلوگیری از رفت‌وآمد طفل یا نوجوان به محل‌های معین.

(ب) تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه به مصلحت طفل یا نوجوان بداند، با الزام به انجام دستورهای مذکور در بند «الف»، در صورت عدم صلاحیت والدین، اولیا یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان و یا عدم دسترسی به آن‌ها، با رعایت مقررات ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی.

تبصره: تسلیم طفل به اشخاص واجد صلاحیت، منوط به قبول آنان است.

(پ) نصیحت به وسیله قاضی دادگاه.

(ت) اخطار و تذکر و یا اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم.

(ث) نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال، در مورد جرایم تعزیری درجه یک تا پنج.

تبصره ۱: تصمیمات مذکور در بندهای «ت» و «ث» فقط درباره اطفال و نوجوانان دوازده تا پانزده سال قابل اجراست. اعمال مقررات بند «ث» در مورد اطفال و نوجوانانی که جرایم موجب تعزیر درجه یک تا پنج را مرتکب شده‌اند الزامی است.

سن مسئولیت پسران و دختران نوجوان در جرایم تعزیری متفاوت شد. تحقیقاً یکی از دلایل توجه قانون‌گذار به این که باید در مقابل ارتکاب جرایم تعزیری دختران نوجوان، با آن‌ها برخورد کرد، این فرض قابل‌رد است که آن‌ها تا حدودی، به درک ارزش‌ها و حسن و قبح‌های ذاتی، اخلاقی، اجتماعی و قانونی رسیده‌اند که در صورت ارتکاب جرم، از طریق اعمال ضمانت‌اجراهای قانونی، قابل تنبه و اصلاح باشند.

جرم‌شناسی رفتارهای مجرمانه دختران مرتکب جرایم تعزیری، پس از رسیدن به سن بلوغ، مباحث خاص خود را دارد که خارج از بحث حاضر است. این مقاله با لحاظ داده‌های کتابخانه‌ای و مطالعات اسنادی، در صدد پاسخ به این‌گونه سؤالات است که اگر دختر نوجوان بین پانزده تا هجده سال، مرتکب جرم موجب تعزیر منصوص شود، آیا باید متحمل مجازات تعزیری منصوص شود؟ و چنانچه دختر نوجوان زیر پانزده

تبصره ۲: هرگاه نابالغ مرتکب یکی از جرایم موجب حد یا قصاص گردد، در صورتی که از دوازده تا پانزده سال قمری داشته باشد، به یکی از اقدامات مقرر در بندهای «ت» و یا «ث» محکوم می‌شود و در غیر این صورت، یکی از اقدامات مقرر در بندهای «الف» تا «پ» این ماده در مورد آن‌ها اتخاذ می‌گردد.

تبصره ۳: در مورد تصمیمات مورد اشاره در بندهای «الف» و «ب» این ماده، دادگاه اطفال و نوجوانان می‌تواند با توجه به تحقیقات به عمل آمده و همچنین گزارش‌های مددکاران اجتماعی از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او، هر چند بار که مصلحت طفل یا نوجوان اقتضا کند، در تصمیم خود تجدیدنظر نماید.»

۱) ماده ۸۹: «در باره نوجوانانی که مرتکب جرم تعزیری می‌شوند و سن آن‌ها در زمان ارتکاب، بین پانزده تا هجده سال تمام شمسی است، مجازات‌های زیر اجرا می‌شود:

الف) نگهداری در کانون اصلاح و تربیت، از دو تا پنج سال، در مورد جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها تعزیر درجه یک تا سه است.

ب) نگهداری در کانون اصلاح و تربیت، از یک تا سه سال، در مورد جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها تعزیر درجه چهار است. پ) نگهداری در کانون اصلاح و تربیت، از سه ماه تا یک سال یا پرداخت جزای نقدی از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا انجام یک‌صد و هشتاد تا هفت‌صد و بیست ساعت خدمات عمومی رایگان، در مورد جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها تعزیر درجه پنج است.

ت) پرداخت جزای نقدی از یک میلیون (۱,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا انجام شصت تا یک‌صد و هشتاد ساعت خدمات عمومی رایگان، در مورد جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها تعزیر درجه شش است.

ث) پرداخت جزای نقدی تا یک میلیون (۱,۰۰۰,۰۰۰) ریال، در مورد جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها تعزیر درجه هفت و هشت است.

تبصره ۱: ساعات ارائه خدمات عمومی بیش از چهار ساعت در روز نیست.

تبصره ۲: دادگاه می‌تواند با توجه به وضع متهم و جرم ارتکابی، به جای صدور حکم به مجازات نگهداری یا جزای نقدی موضوع بندهای «الف» تا «پ» این ماده، به اقامت در منزل، در ساعاتی که دادگاه معین می‌کند یا به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت، در دو روز آخر هفته، حسب مورد، برای سه ماه تا پنج سال حکم دهد.»

سال، در خارج از کشور، مرتکب جرم تعزیری شود و محکوم به اجرای اقدامات تأمینی و تربیتی گردد، مجدداً در ایران، تحت تعقیب کیفری قرار می‌گیرد؟ لذا این مقاله با طرح نکته‌های متعدد، تحت عناوین ماهیت مسئولیت دختران نوجوان در صورت ارتکاب جرم تعزیری، ارتکاب جرایم موجب تعزیر دختران قبل از ۱۵ سال تمام شمسی و ارتکاب جرایم موجب تعزیر آن‌ها بعد از ۱۵ سال تمام شمسی، به بررسی و تحلیل این موضوع پرداخته‌است.

۱- ماهیت مسئولیت دختر نوجوان در جرم تعزیری

دوره نوجوانی یک دختر با رسیدن به سن بلوغ شروع می‌شود و تا ۱۸ سال شمسی تمام ادامه دارد. این دوره را می‌توان از بعد از ۹ سال شمسی، در صورت ارتکاب جرایم تعزیری، به اعتبار دو نوع ضمانت‌اجرا، مورد توجه قرار داد که قانون‌گذار در مواد ۸۸ و ۸۹ قانون مجازات اسلامی، آن‌ها را پیش‌بینی کرده‌است و مستفاد از ماده ۹۵ این قانون^۱، حکم به محکومیت آن‌ها را صادر کرد. قانون‌گذار در ماده ۸۸ همین قانون، ضمانت‌اجرای اقدامات تأمینی و تربیتی و در ماده ۸۹، ضمانت‌اجرای مجازات را برای مرتکبین جرایم تعزیری پیش‌بینی کرده‌است. به لحاظ عنوان و ماهیت این دو ضمانت‌اجرا می‌توان دو نوع مسئولیت را برای مرتکبان در نظر گرفت: یکی به اعتبار مجازات مذکور در ماده ۸۹، که لزوماً بر داشتن مسئولیت کیفری مرتکب دلالت دارد، و دیگری اقدامات تأمینی و تربیتی مذکور در ماده ۸۸، که ناظر به مسئولیت تأمینی و تربیتی است، همان‌طور که فقها در این خصوص، حکم به تأدیب داده‌اند (ابن سعید حلی، ۴۰۵: ۵۴۷؛ شهید اول، ۱۴۱۱: ۲۴۸) که می‌تواند ماهیت یکسانی با اقدامات تأمینی و تربیتی داشته باشد. بر این اساس، در مورد ارتکاب جرایم تعزیری توسط دختران نوجوان، چنانچه سن آنان در زمان ارتکاب، نه تا پانزده سال شمسی باشد، تصمیم جزایی اقدامات تأمینی و تربیتی و در صورتی که سن آن‌ها در زمان ارتکاب جرم، میان پانزده تا هجده سال تمام شمسی باشد، مجازات است که تحقیقاً با نظر به انطباق دادن اجتماعی و فرهنگی آن‌ها با هنجارهای اجتماعی است (گلدوزیان، ۱۳۹۴: ۱۲۳). ماهیت تنبیه، اصلاح و بازسازی در رفتارها را دارد.

با صرف ارتکاب جرم نباید مرتکب را مجازات کرد، بلکه اجرای مجازات بعد از احراز مسئولیت کیفری است. طبق ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی، بلوغ، عقل و اختیار از شرایط مسئولیت کیفری هستند، ولی

(۱) ماده ۹۵: «محکومیت‌های کیفری اطفال و نوجوانان فاقد آثار کیفری است.»

قانون‌گذار، علی‌رغم این که دختر نوجوان بالغ است و چه بسا ممکن است صاحب عقل و اختیار باشد، تا قبل از ۱۵ سال شمسی، در صورت ارتکاب جرم تعزیری، او را صرفاً مستحق اقدامات تأمینی و تربیتی دانسته‌است که بدهاتماً مفهوم این اقدامات غیر از مجازات (به مفهوم خاص) است. «مجازات» مدنظر قانون‌گذار، که به صراحت مذکور در ماده ۸۹، آن را برای مرتکبان جرایم تعزیری بالای ۱۵ سال شمسی در نظر گرفته، غیر از مجازات خاصی است که قانون‌گذار برای اشخاص بالای ۱۸ سال، به سبب ارتکاب همان جرایم تعزیری پیش‌بینی کرده‌است. بر این اساس باید این مجازات را مخففه دانست که متأثر از نظریه مسئولیت کیفری نقصان‌یافته است.

نظر قانون‌گذار در مواد ۸۸ و ۸۹ قانون مجازات اسلامی، به مجازات تخفیف‌یافته و اقدامات تأمینی و تربیتی برای دختر نوجوان مرتکب جرم تعزیری، هیچ مخالفتی با آموزه‌های فقه اسلامی ندارد، چراکه طبق قواعد فقهی، تعزیر به نظر قاضی است^۱ (نجفی، ۱۳۸۶: ۴۴۸/۴۱)، ولی تفاوت در آن است که صلاحیت قاضی در فقه، محدود به ضمانت‌اجراهای معین و محدودی نیست که در قانون برای قاضی پیش‌بینی شده‌است. در قانون مجازات اسلامی، اختیار قاضی در انتخاب ضمانت‌اجرا و در عمل به اصل قانونی بودن مجازات‌ها، مذکور در اصل ۱۶۷ قانون اساسی^۲، محدود به همان مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی است که در قانون ذکر شده‌است، مگر این که با ملاحظات مذکور در قانون، آن را کاهش دهد یا تبدیل کند یا مجرم را کلاً از مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی معاف نماید.

جرایم تعزیری ممکن است از حیث حالت روانی مرتکب، عمدی یا غیرعمدی باشند، هرچند مستند به ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی، عنصر روانی جرایم عمدی قصد است و عموماً افراد در جرایم عمدی، به لحاظ داشتن قصد در ارتکاب جرم، مسئولیت کیفری پیدا می‌کنند، ولی در این خصوص، با لحاظ ماده ۱۴۵ این قانون، این نکته قابل توجه است که جرایم موجب تعزیر غیرعمدی هم واقع می‌شوند، مثل جرایم ناشی از تخلفات رانندگی، که منوط به احراز تقصیر مرتکب است. تقصیر اعم از بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی است. مسامحه، غفلت، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی و مانند آن‌ها، حسب مورد، از مصادیق بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی محسوب می‌شوند. البته می‌توان قائل به این بود که رفتارهای

(۱) التعزیر بما یراه الحاکم.

(۲) اصل ۱۶۷ قانون اساسی: «قاضی موظف است کوشش کند حکم دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه، از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.»

غیر عمدی شامل رفتارهای بدون تقصیر، یعنی قصور هم هستند، ولی رفتارهایی که با قصور واقع شوند، در غیر از جنایات، در زمره جرایم تعزیری جرم‌انگاری نشده‌اند.

دختر نوجوانی که بعد از سن ۱۵ سال شمسی، مرتکب جرم تعزیری می‌شود با احراز جرم و داشتن دیگر شرایط مذکور در مسئولیت کیفری، یعنی عقل و اختیار، به استناد ماده ۹۵ قانون مجازات اسلامی، به مجازات محکوم می‌شود، مگر این که مقتضای معافیت از مجازات یا جهات تخفیف وجود داشته باشد که قابل تسری به اقدامات تأمینی و تربیتی نیز هست. در این صورت، این مرتکبان از مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی معاف می‌شوند یا مستند به ماده ۹۳، مجازات تقلیل می‌یابد یا اقدام تأمینی و تربیتی به اقدام دیگری تبدیل می‌شود. تحقیقاً این اشخاص به مجازات‌های تبعی یا تکمیلی محکوم نمی‌شوند، چرا که هیچ‌یک از اقدامات تأمینی و تربیتی مذکور در ماده ۸۸ و مجازات‌های مذکور در ماده ۸۹، که عمدتاً ماهیت تأمینی و تربیتی دارند، مشمول یا منطبق با مجازات‌های مذکور در مواد ۲۳ و ۲۵ این قانون، برای صدور حکم به مجازات‌های تبعی یا تکمیلی نیستند.

با لحاظ این که در مواد ۸۸ و ۸۹، به جرایم تعزیری تصریح شده است (که علی‌الاطلاق شامل تمام جرایمی است که مجازات آن‌ها تعزیر است و تعزیر نیز اعم از تعزیر منصوص شرعی و تعزیر غیرمنصوص شرعی است)، در صورتی که دختر نوجوان مرتکب یکی از جرایم تعزیر منصوص شرعی شود (مانند روابط نامشروع موضوع ماده ۶۳۷ کتاب پنجم تعزیرات^۱)، به لحاظ اطلاق «تعزیر» در این مواد و تفسیر مضیق قوانین جزایی به نفع متهم، به همان اقدامات تأمینی و تربیتی مذکور در ماده ۸۸، یا مجازات نقصان یافته مذکور در ماده ۸۹ محکوم می‌شود.

در قانون ایران، مستند به ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی و اصل قانونی بودن مجازات‌ها، تعزیر مفهوم خاص دارد که محدودتر از مفهوم تعزیر در ادبیات فقهی است. در ادبیات فقهی، تعزیر اعم از تنبیه است (موسوی خویی، ۱۳۸۶: ۲۸۳) که ممکن است از طرف اولیا، بر اطفال مرتکب رفتارهای ناپسند، در راستای ادب و تربیت کودکان بر آن‌ها تحمیل شود (حلی، ۱۳۸۷: ۶۲۴/۲). تنبیه باید متعارف باشد و در نزد برخی فقها، تنبیه شامل رفتارهای مختلفی از جمله زدن تا شش ضربه هم هست (حر عاملی، ۱۴۰۹:

(۱) ماده ۶۳۷: «هرگاه زن و مردی که بین آن‌ها علقه زوجیت نباشد مرتکب روابط نامشروع یا عمل منافعی غیر از زنا، از قبیل تقبیل یا مضاجعه شوند، به شلاق تا نود و نه ضربه محکوم خواهند شد و اگر عمل با عنف و اکراه باشد، فقط اکراه‌کننده تعزیر می‌شود.»

۵۸۱/۱۸)، به شرط این که ضربه شدید و موجب زخم یا تغییر رنگ پوست نباشد، به نحوی که موجب دیه نشود (گلپایگانی، ۱۴۱۴: ۲۸۱/۴). حتی در جایی هم که برخی فقها در مقابل ارتکاب جرم موجب حد، توسط صغار، از لفظ «تعزیر» استفاده کرده‌اند، متعاقباً اجرای آن را مکروه و به تنبیه بدنی‌ای تعبیر می‌کنند که در مقام تأدیب باشد و نباید از ده ضربه شلاق تجاوز کند (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۱۹۳؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳: ۱۷۸). گفتنی است که در این خصوص، تعزیر و تنبیه مانع‌الجمع هستند؛ یعنی چنانچه قاضی دختر نوجوان میان ۱۵ تا ۱۸ سال سن را تعزیر کند، اولیای او مجاز نیستند وی را تنبیه کنند؛ البته نه فقط از این جهت که انسان به سبب ارتکاب یک جرم نباید دو مرتبه مؤاخذه و مجازات شود، بلکه به این خاطر که دختر نوجوان بالای ۱۵ سال طفل نیست تا بتوان او را مشمول تنبیه اولیا قرار داد.

۲- ارتکاب جرم تعزیری قبل از ۱۵ سال شمسی

اگر دختری که هنوز به سن ۱۵ سال شمسی نرسیده است مرتکب جرم تعزیری شود، بنابر ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی، به اقدامات تأمینی و تربیتی محکوم می‌شود، ولی به اعتبار این که تصمیمات قانون‌گذار به اقدامات تأمینی و تربیتی مذکور در این ماده، با توجه به سن مرتکب متعدد است، می‌توان تحت عناوین ارتکاب جرم تعزیری قبل از ۹ سال شمسی، ارتکاب جرم تعزیری میان ۹ تا ۱۲ سال شمسی و ارتکاب جرم تعزیری میان ۱۲ تا ۱۵ سال شمسی به بحث پرداخت.

۲-۱- ارتکاب جرم تعزیری قبل از ۹ سال شمسی

دوره فقدان تمییز یا عدم مسئولیت کیفری مطلق از تولد آغاز می‌شود و بنابه روایتی، با فرا رسیدن ۷ سالگی پایان می‌یابد. ۷ سالگی در واقع اماره‌ای است که کاشف از رشد عقل کودک است. در این دوره، کودک هیچ مسئولیت کیفری‌ای ندارد و فقط مسئولیت مدنی‌اش به عهده عاقله است و بیشتر فقها راجع به این دوره و تعیین سن آن توافق دارند. پس اگر سن دختری در زمان ارتکاب جرم تعزیری، قبل از ۹ سال تمام شمسی باشد، از ماده ۸۸، که تصریح به اقدامات تأمینی و تربیتی برای اشخاص میان ۹ تا ۱۵ سال شمسی دارد، می‌توان دریافت زمانی که شخصی زیر ۹ سال تمام شمسی باشد، حتی اگر هم بالغ باشد (که امکان این امر برای دختران بیشتر است)، اگر مرتکب جرم تعزیری شود، با هیچ ضمانت‌اجرای کیفری‌ای مواجه نخواهد شد، همان‌طور که اشخاص زیر سن بلوغ، یعنی صغار، در شریعت اسلام، مورد

عقاب خداوند نیز قرار نمی‌گیرند (طوسی، ۱۳۸۷: ۲۱) که درحقیقت شامل دختران زیر ۹ سال قمری (که هنوز به سن بلوغ نرسیده‌اند) نیز می‌شود. البته این رفع تکلیف مانع از اعمال هیچ ضمانت‌اجرائی مثل تنبیه نیست که در بند «ت» ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی^۱، در حدود متعارف به رسمیت شناخته شده‌است. در حدیثی منسوب به حضرت امیرالمؤمنین(ع) که به طفل تصریح دارد منصرف از دختر بالغ بالای سن نه سال قمری باشد که هر چند ممکن است وی زیر ۹ سال شمسی باشد، در حالی که براساس نصوص، از جمله حدیث مزبور به این که قلم تکلیف از اطفال برداشته شده^۲ (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۴۵/۱) و براساس ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی، دختر بالغ نوجوان زیر ۹ سال شمسی، در صورت ارتکاب جرم تعزیری، فاقد مسئولیت است که در تعارض با آن و محل تأمل می‌باشد، زیرا قانون‌گذار با لحاظ آموزه‌های اسلامی، می‌توانست در این خصوص توجهی خاص داشته باشد.

اگر دختری که سن او کمتر از ۹ سال تمام شمسی است، حتی اگر به‌طور طبیعی یا غیرطبیعی (با مصرف داروی شیمیایی) بالغ شود، یعنی نوجوان شود، و سپس مرتکب جرم تعزیری گردد، قاضی به دلیل خلأ قانونی نمی‌تواند هیچ تصمیمی اتخاذ کند. ملاک سن مسئولیت، اعم از مسئولیت کیفری یا تأمین و تربیتی، در نظام کیفری ایران، سن شناسنامه‌ای به‌عنوان یک سند رسمی است، حتی اگر سن شناسنامه مبتنی بر واقع نباشد، مگر این که شناسنامه مرتکب در مواردی، مانند اشتباه در صدور یا با رأی قطعی مرجع ذیصلاح، باطل شود که در این صورت، سن واقعی او با توجه به نظریه کارشناسی، ملاک تصمیم قاضی خواهد بود.

۲-۲- ارتکاب جرم تعزیری میان ۹ تا ۱۲ سال شمسی

ممکن است سن دختر نوجوان در زمان ارتکاب جرایم موجب تعزیر، میان ۹ تا ۱۲ سال تمام شمسی باشد. هرچند اقداماتی که قانون‌گذار در مورد این گروه سنی پیش‌بینی کرده‌است جنبه تربیتی دارند، ولی نباید از جنبه تأمین آن نیز غافل بود. در این صورت، دادگاه طبق ماده ۸۸، حسب مورد، یکی از تصمیمات مذکور در بندهای «الف»، «ب» یا «پ» این ماده را اتخاذ می‌کند. البته قاضی در اتخاذ

(۱) بند «ت» ماده ۱۵۸: «اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرستان صغار و مجانبین، که به‌منظور تأدیب یا حفاظت آن‌ها انجام می‌شود، مشروط بر این که اقدامات مذکور در حد متعارف و حدود شرعی تأدیب و محافظت باشد.»

(۲) «أن القلم يرفع عن ثلاثة: عن الصبي حتى يحتلم.»

هریک از این تصمیمات اختیار دارد، اما درحقیقت تصمیم قاضی تابع مصلحت طفل و صراحت مذکور در بند «ب»، یعنی عدم صلاحیت اشخاص مذکور در بند «الف» است. در بند «الف» اشاره‌ای نشده‌است که قاضی اتخاذ تصمیم به بند «الف» را به موافقت اشخاص مذکور در این بند منوط کند، ولی می‌توان از صراحت عبارت «**اخذ تعهد اشخاص مذکور به تأدیب و تربیت و مواظبت**» استنباط کرد که این تعهد متضمن موافقت آن‌ها هم است، چراکه اگر این اشخاص تعهد ندهند، هرچند ظاهراً قانون تکلیف قاضی را در صدور حکم به مفاد بند «الف»، به صراحت بیان نکرده‌است، اما می‌توان با لحاظ این که مراجعه قاضی به بند «ب»، منوط به عدم صلاحیت اشخاص مذکور در بند «الف» است، تعهد ندادن اشخاص مذکور در بند «الف» را به عدم تقید، یعنی عدم صلاحیت آن‌ها در تأدیب و تربیت و مواظبت، حمل کرد.

از جمله اقداماتی که در این قانون، برای این دختران میان ۹ تا ۱۲ سال در نظر گرفته شده‌است تسلیم آن‌ها به اشخاص است. قاضی به استناد بند «الف» و «ب» ماده ۸۸، این اختیار را دارد که مرتکب را به اشخاص خاصی تسلیم کند. قانون‌گذار برای نگهداری بعد از تسلیم به آن‌ها، مدتی تعیین نکرده‌است. در واقع نمی‌توان قائل به این بود که قانون‌گذار از تعیین مدت غافل بوده‌است، زیرا در همین ماده، قانون‌گذار در بند «ث»، برای تحمل نگهداری در قانون اصلاح و تربیت، مدت تعیین کرده‌است. بنابراین باید بر این نظر بود که قانون‌گذار عمداً مدت را ذکر نکرده‌است، زیرا تسلیم مدت‌بردار نیست. لذا اگر این نوجوان، بعد از تسلیم، مجدداً مرتکب همان جرم یا جرم تعزیری دیگری شود، قاضی ممکن است همان اقدام تأمینی و تربیتی قبلی یا اقدام دیگری در این ماده را برای او در نظر بگیرد. به همین خاطر، این که بگوییم تسلیم به اشخاص، ناظر به دختران با سنین ۹ تا ۱۲ سال است و قانون‌گذار تحمیل اقدامات تأمینی و تربیتی بر آن‌ها را تا ۱۵ سال مجاز دانسته‌است و نیز قانون‌گذار حداکثر مدت نگهداری در قانون اصلاح و تربیت را سه سال تعیین کرده که قابل تسری به دیگر اقدامات تأمینی و تربیت مثل تسلیم نیز هست یا گفته شود مدت نگهداری بعد از تسلیم، به نظر شخص یا قاضی واگذار شده‌است توجیه مناسبی نیست و تماماً برخلاف تفسیر مضیق قوانین کیفری و به‌ویژه اصل قانونی بودن مجازات‌هاست که به‌موجب آن، در مباحث حقوق کیفری، قاضی نباید بدون توجه به قانون، محدودیت‌هایی از هر نوع، مثل مدت را برای محکوم معین کند.

۲-۳- ارتکاب جرایم موجب تعزیر میان ۱۲ تا ۱۵ سال تمام شمسی

اگر دختران نوجوان بالغی که سن آنها میان ۱۲ تا ۱۵ سال تمام شمسی است مرتکب جرایم موجب تعزیری شوند، طبق ماده ۸۸، محکوم به اقدامات تأمینی و تربیتی می‌گردند. در تبصره ۱ این ماده، راجع به سنین این اشخاص گفته شده که: «تصمیمات مذکور در بندهای «ت» و «ث»، فقط درباره اطفال و نوجوانان دوازده تا پانزده سال قابل اجراست. اعمال مقررات بند «ث» در مورد اطفال و نوجوانانی که جرایم موجب تعزیر درجه یک تا پنج را مرتکب شده‌اند الزامی است.» از مفاد ماده مزبور استنباط می‌شود که قاضی می‌تواند برای دختر بالغ نوجوان میان ۱۲ تا ۱۵ سال تمام شمسی، یکی از اقدامات تأمینی و تربیتی بند «الف» تا «ث» را تعیین کند. حال اگر دختر نوجوان بالغ در اواخر ۱۵ سالگی، مرتکب جرم تعزیری شود، قاضی به استناد بند «ث» این ماده، این اختیار را دارد که تصمیم بگیرد مرتکب را برای مدت سه ماه تا یک سال در قانون اصلاح و تربیت نگهداری کند، حتی اگر او مزدوج و دارای فرزند باشد. درخصوص تکرار جرایم تعزیری نیز قاضی مجاز است فقط یکی از این اقدامات تأمینی و تربیتی را اتخاذ کند، زیرا مقررات ناظر بر تکرار جرم در ماده ۱۳۷، به مجازات‌های تعزیری درجه ۱ تا ۶ اختصاص دارند که منصرف از اقدامات تأمینی و تربیتی، به‌عنوان ضمانت‌اجرای ارتکاب جرم تعزیری دختران زیر ۱۵ سال شمسی است.

اگر دختر نوجوان بالغ زیر ۱۵ سال تمام شمسی مرتکب معاونت در هر جرم عمدی، اعم از جرایم موجب حد یا قصاص شود، از آنجا که مجازات معاونت در این جرایم، تعزیر است، مطابق ماده ۸۸، به اقدامات تأمینی و تربیتی و اگر سن او در زمان ارتکاب، میان ۱۵ تا ۱۸ سال تمام شمسی باشد، مطابق ماده ۸۹، به مجازات نقصان یافته مذکور در این ماده محکوم می‌شود.

۳- ارتکاب جرم تعزیری بعد از ۱۵ سال شمسی

دختران نوجوان بین ۱۵ تا ۱۸ سال شمسی نیز ممکن است مرتکب جرم تعزیری شوند. در این صورت، برحسب این که مرتکب جرم معتوه (ناقص‌العقل) یا عاقل باشد، با ضمانت‌اجراهای متفاوتی مواجه خواهد

(۱) ماده ۱۳۷: «هرکس به موجب حکم قطعی، به یکی از مجازات‌های تعزیری از درجه یک تا درجه شش محکوم شود و از تاریخ قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان اجرای مجازات، مرتکب جرم تعزیری درجه یک تا شش دیگری گردد، به حداکثر مجازات تا یک و نیم برابر آن محکوم می‌شود.»

بود. لذا مباحث تحت دو عنوان ارتکاب جرایم تعزیری توسط دختران نوجوان عاقل و ارتکاب جرایم تعزیری توسط دختران نوجوان معتوه، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۳-۱- ارتکاب جرایم تعزیری توسط دختران نوجوان عاقل

تحقیقاً اشخاص نابالغ به کمال عقل نمی‌رسند. عقل اشخاص بعد از بلوغ، با بالا رفتن سن می‌تواند کامل شود. منظور از عقل، رسیدن به درک واقعیت، تمییز حسن و قبح و تدبیر در امور است. سن دختر نوجوانی که در زمان ارتکاب جرایم تعزیری، ۱۵ تا ۱۸ سال تمام شمسی است، چون بالغ است، در واقع باید با لحاظ دیگر شرایط مقرر در ماده ۱۴۰، یعنی عقل و اختیار، مسئولیت کیفری داشته باشد و به مجازات خاص جرم ارتكابی محکوم گردد. دختران پس از رسیدن به سن ۱۵ سال شمسی، بالغ محسوب می‌شوند و در صورت ارتکاب جرم تعزیری، مشمول یکی از مجازات‌های مذکور در ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی خواهند بود.

قانون‌گذار در ماده ۸۹، برای ارتکاب هر جرم تعزیری، صرفاً چهار مجازات را در نظر گرفته که ضمانت‌اجرای کیفری مشترک ارتکاب همه جرایم تعزیری است. طبق این ماده، مجازات نوجوان بین ۱۵ تا ۱۸ سال شمسی نگهداری در کانون اصلاح و تربیت یا جزای نقدی یا خدمات عمومی رایگان یا اقامت در منزل است که غالباً ماهیت تأمینی و تربیتی دارند و باید گفت نسبت به مجازات بزرگسالان بالای ۱۸ سال، نقصان‌یافته است، چراکه اگر دختر بالای ۱۸ سال همین جرم تعزیری را مرتکب شود، به مجازات خاص این جرم مذکور در قانون مجازات اسلامی یا قانون مربوطه محکوم می‌شود.

اگر دختر نوجوانی سردسته گروه مجرمانه‌ای در یکی از جرایم تعزیری باشد، آیا مسئولیت کیفری کامل دارد و باید با توجه به ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی مجازات شود؟ یا مسئولیت نقصان‌یافته دارد و صرفاً باید به مجازات مخففة مذکور در ماده ۸۹ محکوم می‌گردد؟ از سویی باید مقررات کیفری را به نفع متهم تفسیر کرد و چون حکم ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی اطلاق به ارتکاب هر جرم تعزیری دارد و دختران نوجوان را نباید به مجازاتی بیش از آنچه که در ماده ۸۹ آمده است مجازات کرد، پس دختر

(۱) ماده ۱۳۰: «هرکسی سردستگی یک گروه مجرمانه را به‌عهده داشته باشد به حداکثر مجازات شدیدترین جرمی که اعضای آن گروه در راستای اهداف همان گروه مرتکب شوند محکوم می‌شود، مگر آن که جرم ارتكابی موجب حد یا قصاص یا دیه باشد که در این صورت، به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌شود.»

نوجوان سردسته جرم تعزیری هم صرفاً به یکی از مجازات‌های مذکور در ماده ۸۹ محکوم می‌شود. از سوی دیگر باید قائل به این بود که چون حکم ماده ۸۹ مطلق است و با شرایط خاص مذکور در ماده ۱۳۰، تخصیص می‌خورد، نمی‌توان از این تخصیص صرف‌نظر کرد، مگر این‌که در قانون پیش‌بینی شده باشد. لذا مجازات دختر نوجوان سردسته جرایم تعزیری را باید براساس ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی تعیین کرد.

اگر دختر نوجوان در خارج از کشور مرتکب جرم موجب تعزیری شود و در نتیجه آن، محکوم به اقدامات تأمینی و تربیتی گردد و مجازات را نیز تحمل کند، با توجه به ماده ۷ قانون مجازات اسلامی، اگر در ایران یافت شود یا به ایران اعاده گردد، نباید مجدداً مورد تعقیب کیفری قرار گیرد یا محکوم شود، چراکه اقدامات تأمینی و تربیتی داخل در مفهوم عام مجازات است. در این خصوص، ذکر این نکته لازم است که طبق ماده ۲ قانون مجازات اسلامی، که مجازات را در مقابل جرم قرار داده‌است، و ماده ۱۴ همان قانون، که مجازات را چهار قسم (حد، قصاص، دیه و تعزیر) می‌داند، ناگزیر اقدامات تأمینی و تربیتی داخل در قسم چهارم (یعنی تعزیرات با مفهوم عام) هستند. لذا به استناد ماده ۷ نباید این دختر را به سبب همان جرم تعزیری ارتكابی در خارج از کشور، مجدداً تعقیب و به مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی محکوم کرد.

علی‌رغم این‌که مجازات فرع بر مسئولیت کیفری است و لزوماً باید قائل به این بود که مجرمی که مجازات می‌شود حتماً بالغ، عاقل و مختار است، در ماده ۸۹، به مجازات تصریح شده‌است. در این صورت، آنچه که باعث می‌شود دختر زیر ۱۸ سال همان مجازات دختر بالای ۱۸ سال را متحمل نشود سن اوست؛ یعنی در قانون مجازات اسلامی، سن مرتکب موضوعیت دارد، درحالی که در شریعت اسلامی، دختر بعد از رسیدن به سن بلوغ، در صورت ارتكاب جرم، با توجه به دیگر شرایط مسئولیت کیفری، مجازات می‌شود. بنابراین می‌توان دریافت که در قانون ایران، سن مرتکب بعد از بلوغ و رسیدن به ۱۵ سالگی، برای داشتن مسئولیت کیفری (هرچند نقصان یافته) خصوصیت دارد، ولی در ادبیات فقه اسلامی، رسیدن به بلوغ، صرف‌نظر از این‌که در چه سنی باشد، شرط داشتن مسئولیت کیفری است که اگر با دیگر شرایط همراه باشد، مرتکب مستحق مجازات خاص همان جرم است.

عدالت و انصاف حکم می‌کنند که مجازات کسی که یک بار مرتکب جرم شده با کسی که چندین بار مرتکب جرم شده یکسان نباشد. ارتكاب جرایم متعدد گاه نشانه ناسازگاری و حالت خطرناک بزهکار است

و دفاع از جامعه اقتضا می‌کند که نسبت به بزهکاران ناسازگار، تصمیم دیگری غیر از مجازات اتخاذ گردد (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۱۷۴/۳). لذا با توجه به اصل فردی کردن مجازات‌ها، یعنی رعایت عدالت، شخصی که مرتکب چندین جرم شده است در حدود مقررات، مجازات اشد یا بیشتری را تحمل می‌کند، ولی اگر دختر نوجوانی که سن او بین ۱۵ تا ۱۸ سال تمام شمسی باشد مرتکب چندین جرم تعزیری شود، مقررات ناظر به ماده ۱۳۴، درخصوص تعدد جرم اعمال نمی‌شوند، زیرا نوجوانان مرتکب جرم تعزیری در این سنین، مسئولیت کیفری نقصان یافته دارند و صرفاً به مجازات‌های مخففة مذکور در ماده ۸۹ محکوم می‌شوند که ضمانت اجرای کیفری مشترک همه جرایم تعزیری است. ازسوی دیگر، از آنجا که مجازات‌های مذکور در ماده ۸۹، غیر از مجازات تعزیری درجات ۱ تا ۶ است، مشمول مقررات تکرار جرم مذکور در ماده ۱۳۷ نیز نمی‌شود. به عبارت دیگر، اگر دختر نوجوانی مرتکب تکرار در یک جرم تعزیری شود، شود قاضی می‌تواند او را فقط به یکی از مجازات‌های مذکور در ماده ۸۹ محکوم کند، زیرا مقررات ناظر به تکرار جرم در ماده ۱۳۷، که ناظر به مجازات‌های تعزیری درجه ۱ تا ۶ هستند، منصرف از مجازات نقصان یافته، به عنوان ضمانت اجرای ارتکاب جرم تعزیری دختران میان ۱۵ تا ۱۸ سال شمسی است.

۳-۲- ارتکاب جرایم تعزیری توسط دختران نوجوان معتوه

به یک تعبیر، در مقابل انسان عاقل، انسان‌های غیرعاقل قرار دارند. غیرعاقل‌ها فقط مجانین نیستند، بلکه معتوهین نیز غیرعاقل هستند. بحث راجع به مجانین از حوصله این مقاله خارج است، چراکه آن‌ها فاقد هرگونه مسئولیت کیفری و اقدامات تأمینی و تربیتی هستند. در این خصوص، نصی به وجوب تعزیر مجنون نیست (طباطبایی حائری، ۱۴۱۸: ۴۸۰/۲؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۱۹/۱۰)، ولی اگر معتوه مرتکب جرم تعزیری شود، مورد توجه است.

معتوه از ریشه عته است. عته، در فقه اسلامی، همراه با برخی عارضه‌های روانی، مثل جنون، آمده است که در لغت، به معنای سبک عقل شدن یا کم عقل شدن است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۵۷۴۸). در ادبیات فقهی، به افرادی که نه کاملاً عاقل و نه کاملاً مجنون هستند معتوه گفته می‌شود (رازی، ۱۹۹۹: ۶۵۰؛ فراهیدی، ۱۴۴۳: ۱۱۴/۱؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۱۱۹/۳؛ حائری، ۱۴۱۵: ۴۰۱-۲۳۹/۳). اصطلاحاً معتوه فرد ناقص العقلی است که کلامش مختلط و نامرتب است و تدبیر وی در اداره امور فاسد است و گاهی شبیه

عاقلان و گاهی شبیه مجنون‌ها رفتار می‌کند (جزایری، ۱۴۲۸: ۳۲۷/۴؛ کلینی، ۱۳۷۶: ۱۲۵/۶؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ۱۵۸/۲۵). این تعابیر می‌تواند همان مفاهیم مذکور در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی باشد. معتوه نه آن قدر بدون عقل یا فاقد قوه تمییز یا اراده ناشی از اختلال روانی است که مجنون شمرده شود و نه آن قدر عاقل است که بتواند متعارفاً در امور مربوط به خود، تمییز و تدبیر داشته باشد. به عبارت دیگر، «معتوه کسی است که بین فرد عاقل و مجنون قرار دارد». (کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۲: ۴۰۱/۲). برای شناسایی معتوه، از لحاظ نظری می‌توان هم از ضوابط خاصی استفاده کرد یا در عمل، به افراد خاصی به‌عنوان معتوه اشاره کرد. همچنین بعضی از فقها، تعلق ابتدایی به کسی که خطاب را نمی‌فهمند ناصحیح می‌شمارند (عاملی، ۱۳۷۴: ۳۲۹) و تأکید دارند که مکلف باید عاقل باشد، چندان که خطاب را بفهمد، زیرا مقتضای تکلیف اطاعت و امتثال است و این دو جز با فهم تکلیف میسر نمی‌شود (غزالی، ۱۹۹۵: ۹۸) و تحت شمول آیه ۲۳۳ سوره بقره قرار می‌گیرد^۱.

حالت روانی عته، که متأثر از اختلال روانی است، مراتب خفیف تا شدید دارد، به طوری که در برخی حالات، اگر به جنون برسد، رافع کامل مسئولیت کیفری است. در قانون مجازات اسلامی، به‌صراحت به این نوع اختلال روانی اشاره نشده‌است و صرفاً در ماده ۹۱ این قانون، به عدم درک در حرمت یا ماهیت جرم یا شبهه در کمال یا رشد عقل، درخصوص اشخاص بالغ کمتر از ۱۸ سال، درصورت ارتکاب جرایم موجب حد یا قصاص تصریح شده‌است. همچنین فقهای اسلامی جنایات معتوه را همچون مجنون و صغیر ممیز تلقی می‌کنند و آن را خطای محض برمی‌شمرند و دیه آن را برعهده عاقله می‌دانند و به این امر قائل هستند که جنایات معتوه و مجنون یک حکم دارد (تبریزی، ۱۳۸۷: ۱۵۴). تحقیقاً این اختلال روانی محدود به سن خاصی نیست، بلکه در سنین بالاتر هم ممکن است این عوارض متوجه انسان شود. با توجه به ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی، تعزیر به مجازاتی گفته می‌شود که به‌موجب قانون، در موارد ارتکاب محرمات شرعی و یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اجرا می‌شود. براساس این ماده، سن مسئولیت اشخاص درصورت ارتکاب چنین جرایمی، بعد از ۹ سال شمسی است. مفهوم مخالف این ماده به این صورت است که اگر اشخاص زیر ۹ سال شمسی، حتی اگر بالغ هم باشند و مرتکب چنین جرمی شوند، هیچ اقدامی برای آن‌ها صورت نمی‌گیرد. با این توصیف، به طریق اولی، بالغ معتوه زیر ۹ سال، اعم از این که به‌طور طبیعی، زودتر بالغ شود یا با مصرف دارو، زودرس بالغ شده باشد، درصورت ارتکاب

(۱) «لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا»

جرایم موجب تعزیر در حقوق کیفری ایران بحث است. البته قابل ذکر است که در خصوص افرادِ معنوه بالای ۱۸ سال شمسی، هیچ حکم صریحی در قانون مجازات اسلامی وجود ندارد، اما با توجه به مفهوم مخالف ماده ۹۱، در اشخاص بالای ۱۸ سال هم امکان نقصان عقل وجود دارد که در این صورت، با احراز آن، امکان رهایی از مجازات اصلی وجود دارد (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۳: ۲۸۷). با توجه به این که مجازات مرتکبان جرایم مستوجب حد و قصاص، که دارای اهمیت بیشتری نسبت به تعزیرات هستند، به سبب نقیصه عقلی، ساقط می شود و به مجازات تعزیری مذکور در ماده ۸۹ محکوم می گردند، به طریق اولی، مجازات جرایم تعزیری نیز، که عموماً از حیث قباحت رفتار، کمتر از جرایم موجب حد یا قصاص است، باید به سبب نقصان عقل، به مجازات سبک تر تبدیل شوند و با توجه به ماده ۱۸، که قاضی را ملزم به لحاظ وضعیت ذهنی و روانی مجرم، در تعیین مجازات تعزیری می کند، واکنش کیفری خفیف تر تعیین شود، زیرا معنوه عاقل نیست تا به استناد ماده ۱۴۰، مسئولیت کیفری داشته باشد و مجازات شود. با توجه به توصیفی که برای اشخاص معنوه بالای ۱۸ سال ارائه شد، به طریق اولی، برای معنوهان زیر ۱۸ سال نیز می توان این نکات را در نظر گرفت.

در پرونده کلاسه ۱۴۲*****۹۷، در دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان اقلید استان فارس، فردی به نام ی. ل، ۳۴ ساله، به اتهام ایراد جرح عمدی با چاقو و تخریب، تحت تعقیب قرار می گیرد. متهم، که دارای سوابق متعدد کیفری است، در دفاع از خود، ضمن انکار اتهام، با کلامی مشوش، اقدام به شرح نحوه وقوع جرم می کند. بستگان او بیان می دارند که او دارای معلولیت شدید ذهنی است و محجور است و حکم حجر و کارت معلولیت ذهنی او از بهزیستی و همچنین معاینات سابق پزشکی از او و سوابق بستری شدن در بیمارستان اعصاب و روان شیراز را ارائه می دهند. با معرفی او به پزشکی قانونی، چنین به دادسرا گزارش می شود که: «... متهم دارای اختلال شدید روانی است و حضور وی در جامعه می تواند خطرناک باشد، لیکن به کلی فاقد اراده و تمییز نمی باشد.» پس از ارسال پرونده به دادگاه کیفری، دوباره با صدور قرار جلب به دادرسی، دادگاه با این استدلال که متهم به اختلال تام روانی دچار نیست، او را به حبس محکوم می کند. در نقد این رأی باید گفت آنچه مسلم است این است که متهم از قوه تشخیص و تمییز معمول برخوردار نبوده است و فاقد رشد و کمال عقل است و نگهداری وی در زندان، به همراه سایر محکومان، تأمین کننده اهداف کیفر نخواهد بود. لذا استدلال صورت گرفته قابل خدشه است.

در ماده ۹۱، به جرایم تعزیری این اشخاص اشاره نشده است و هیچ مقررۀ صریح دیگری به جز مادۀ یادشده، درخصوص معتوهان، در قانون مجازات اسلامی وجود ندارد. با توجه به توصیف فوق، دختران نوجوان معتوه در سنین ۱۵ تا ۱۸ سال، اگر مرتکب جرایم تعزیری شوند، صرف‌نظر از عارضۀ سوء روانی‌شان، طبق مادۀ ۸۹، به یکی از مجازات‌های نقصان‌یافته در این ماده محکوم می‌شوند. تحقیقاً به استناد صراحت مادۀ مزبور که از اصطلاح «مجازات» استفاده کرده‌است، باید برای این افراد، در این سنین، در صورت ارتکاب جرم تعزیری، قائل به مسئولیت کیفری بود، در حالی که واضح است طبق مادۀ ۱۴۰، شرط مسئولیت کیفری عقل است که این اشخاص فاقد آن هستند. لذا نمی‌توان قائل به مسئولیت کیفری آن‌ها شد و در نتیجه نباید آن‌ها را به مجازات مذکور در مادۀ یادشده محکوم کرد. بر این اساس، دختر نوجوان معتوه ۱۵ تا ۱۸ ساله در صورت ارتکاب جرم تعزیری نباید مجازات شود. اگر گفته شود که در این صورت، آن‌ها باید مشمول اقدامات تأمینی و تربیتی شوند، هرچند در این خصوص، نص صریح قانونی‌ای نیست، ولی همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، با توجه به مادۀ ۱۸، در تعریف مجازات تعزیری، که قضات را در اعمال این مجازات با لحاظ وضعیت ذهنی و روانی دلالت کرده، و بند «ث» مادۀ ۳۸، که بیماری مرتکب جرم را از موجبات تخفیف مجازات دانسته‌است و با توجه به تعریف عام تعزیر، که می‌تواند اعم از اقدامات تأمینی و تربیتی باشد، این اشخاص در سن نوجوانی (بین ۱۵ تا ۱۸ سال)، مشمول اقدامات تأمینی و تربیتی مذکور در مادۀ ۸۸ می‌شوند. علاوه بر این، وقتی برای اشخاص زیر ۱۵ سال در صورت ارتکاب جرم تعزیری، اقدامات تأمینی و تربیتی در نظر گرفته می‌شود، برای دختران معتوه میان ۱۵ تا ۱۸ سال نیز با لحاظ فقدان ضمانت‌اجرای کیفری باید اقدامات تأمینی و تربیتی مذکور در مادۀ مزبور را در نظر گرفت.

نتیجه‌گیری

دختران تا قبل از ۱۸ سالگی، مانند هر انسان دیگر، ممکن است مرتکب جرم تعزیری شوند که در این صورت، با توجه به شرایط مذکور در مواد ۸۸ و ۸۹ قانون مجازات اسلامی، در معرض ضمانت‌اجراهای کیفری مذکور در این قانون، اعم از مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی، قرار می‌گیرند. اگر دختری قبل از این که به سن بلوغ قانونی برسد یا حتی علی‌رغم رسیدن به بلوغ، قبل از ۹ سال شمسی، مرتکب جرم تعزیری شود، مسئولیتی در قانون، برای وی پیش‌بینی نشده‌است، هرچند در ادبیات فقهی، وی مستحق تنبیه است که نمی‌توان این اقدام را در حقوق ایران تعزیر نامید، چراکه ضمانت‌اجرای کیفری ارتکاب جرم تعزیری به اقدامات تأمینی و تربیتی یا مجازات، در قانون ایران، بعد از رسیدن به سن ۹ سال شمسی است؛ یعنی اگر آن‌ها تا قبل از ۹ سال شمسی مرتکب جرم تعزیری شوند، نه تنها مجازات، بلکه هیچ‌یک از اقدامات تأمینی و تربیتی بر آن‌ها اعمال نمی‌شود. دختران، اعم از این که به بلوغ برسند یا نرسند، در صورت ارتکاب جرم میان سن ۹ تا ۱۵ سال شمسی، مشمول اقدامات تأمینی و تربیتی می‌شوند. دختران میان ۱۵ تا ۱۸ سال شمسی، دارای مسئولیت کیفری و مجازات نقصان‌یافته هستند، چراکه به استناد ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی، مجازات فرع بر مسئولیت کیفری است و بلوغ یکی از شرایط آن است.

اگر دختر نوجوان در خارج از کشور مرتکب جرم موجب تعزیری شود و در نتیجه آن، محکوم به مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی گردد، با توجه به ماده ۷ قانون مجازات اسلامی، چنانچه در ایران یافت شود یا به ایران اعاده گردد، نباید مجدداً مورد تعقیب کیفری قرار گیرد یا محکوم شود، چراکه اقدامات تأمینی و تربیتی داخل در مفهوم عام مجازات است. در این خصوص، گفتنی است که طبق ماده ۲ قانون مجازات اسلامی، که مجازات را در مقابل جرم قرار داده‌است، و ماده ۱۴ این قانون، که مجازات را چهار قسم (حد، قصاص، دیه و تعزیر) می‌داند، ناگزیر اقدامات تأمینی و تربیتی داخل در تعزیرات با مفهوم عام است و نباید این دختر را مجدداً محاکمه و به مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی مضاعف محکوم کرد. در مواد ۸۸ و ۸۹ قانون مجازات اسلامی، به جرایم تعزیری تصریح شده‌است که علی‌الاطلاق شامل تمام جرایمی است که مجازات آن‌ها تعزیر است. این تعزیر اعم از تعزیر منصوص شرعی و تعزیر غیرمنصوص شرعی است. لذا در صورتی که دختر نوجوان، برحسب سن، مرتکب یکی از جرایم تعزیر منصوص شرعی، مثل روابط نامشروع موضوع ماده ۶۳۷ کتاب پنجم تعزیرات شود، با توجه به تفسیر مضیق قوانین جزایی

به نفع متهم، به همان اقدامات تأمینی و تربیتی مذکور در ماده ۸۸ یا مجازات نقصان یافته مذکور در ماده ۸۹ محکوم می‌گردد.



منابع

- قرآن کریم.

الف) منابع فارسی

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۳). حقوق جزای عمومی. جلد دوم، چاپ سی و هفتم، تهران: میزان.
- _____ (۱۳۹۳). حقوق جزای عمومی. جلد سوم، چاپ سی و نهم، تهران: میزان.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت نامه. سازمان لغت نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
- رمزدان، حسین (۱۳۸۳). «ماهیت اعمال مجرمانه و مسئولیت کیفری اشخاص دارای نقیصه عقلی». فصلنامه دانش و پژوهش حقوقی، ۲(۱): ۱۴۱-۱۰۷.
- زراعت، عباس (۱۳۸۳). «رشد کیفری». مجله دانشکده علوم انسانی سمنان، ۸: ۱۲۵-۱۴۷.
- زراعتی، حجت (۱۳۸۴). «بررسی روند تغییرات میانگین سن اولین قاعدگی در دختران ایرانی». فصلنامه باروری و ناباروری، ۷(۵): ۵۲۳-۵۳۰.
- سلمانیان، سجاد و شاکری، ابوالحسن (۱۳۹۸). «مسئولیت معنوی در حقوق کیفری ایران با نگاهی به حقوق مصر». فصلنامه علمی و پژوهشی، ۵۱.
- عطازاده، سعید (۱۳۹۲). «معیار سن کیفری دختران در فقه و حقوق موضوعه». فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی، ۲: ۵۷-۷۹.
- عمید، حسن (۱۳۸۹). فرهنگ لغت. چاپ اول، تهران: راه رشد.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۹). بایسته های حقوق جزای عمومی ۱ و ۲ و ۳. چاپ بیستم، تهران: میزان.
- _____ (۱۳۹۴). محشی قانون مجازات اسلامی. چاپ پنجم، تهران: مجد.
- مرادی، عذرا (۱۳۸۷). «بررسی شرط رشد در مسئولیت کیفری». فقه اهل بیت، بهار، ۵۳.
- معین، محمد (۱۳۷۶). فرهنگ فارسی. چاپ پنجم، تهران: امیرکبیر.
- ملکی افزلی، محسن و سعیدی، مینا (۱۳۹۸). «بررسی مفهوم جنون در فقه فریقین با تأملی در نگرش قانون مجازات اسلامی». پژوهش های فقهی، ۱۵(۲).
- موسوی بجنوردی، محمد (۱۳۷۸). «بلوغ». شماره ۲، سال اول، تهران: ماهنامه متین.
- میرسعیدی، سید منصور (۱۳۸۱). مسئولیت کیفری، قلمرو و ارکان. چاپ سوم، تهران: میزان.

(ب) منابع عربی

- ابن براج، القاضی عبدالعزیز بن البراج الطرابلسی (۱۴۰۶). المہذب. قم: مؤسسۃ النشر الإسلامی.
- ابن زہرہ، حمزہ بن علی بن زہرہ الحلبي (۱۴۱۷). غنیۃ النزوع إلى علمی الأصول و الفروع. چاپ اول، قم: مؤسسۃ الإمام الصادق □.
- ابن سعید حلّی، یحیی (۱۴۰۵). الجامع للشرائع. قم: مؤسسۃ سیدالشہداء.
- بحرانی، شیخ یوسف (۱۴۱۵). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة. چاپ اول، قم: مؤسسۃ النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
- جزایری، سید محمدجعفر (۱۴۲۸). ہدی الطالب الی شرح المکاسب. جلد چہارم، قم: قلم.
- حائری، سید کاظم (۱۴۱۵). القضاء فی الفقہ الإسلامی. جلد اول، قم: مجمع فکر اسلامی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعۃ. جلد اول و ہجدهم، قم: مؤسسۃ آل البيت □.
- حلّی، فخرالمحققین (۱۳۸۷). ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد. جلد دوم، چاپ اول، قم: مؤسسۃ اسماعیلیان.
- رازی، محمد بن ابی بکر (۱۹۹۹). مختار صحاح. بیروت: مکتبۃ العصریۃ.
- شہید اول (شمس الدین محمد بن مکی العاملی) (۱۴۱۲). الدروس الشرعیۃ فی فقہ الامامیۃ. چاپ اول، قم: مؤسسۃ النشر الإسلامی.
- شہید ثانی (زین الدین بن علی الجلی العاملی) (۱۳۷۴). تمہیدات القواعد. قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
- _____ (۱۴۱۰). الروضۃ البھیۃ فی شرح اللمعۃ الدمشقیۃ للشہید. چاپ اول، قم: داوری.
- طباطبائی حائری، علی بن محمد (۱۷۱۸). ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل. قم: مؤسسۃ آل البيت □.
- طبرسی، ابوالفضل بن حسن (۱۴۰۶). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. بی جا: دارالمعرفۃ.
- طریحی النجفی، فخرالدین (۱۳۷۵). مجمع البحرین. جلد سوم، تہران: المرتضویۃ.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۹۰). النہایۃ فی مجرد الفقہ و الفتاوی. بیروت: دار الکتب العربی.
- _____ (۱۴۰۷). الخلاف. قم: مؤسسۃ النشر الإسلامی.
- _____ (۱۴۰۷). تہذیب الأحکام، تہران: دارالکتب الاسلامیۃ.
- غزالی، محمد بن محمد (ابوحامد) (۱۹۹۵). المستصفی من أصول الفقہ. بی جا: دار صادر.

- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۳۴). العین. جلد اول، قم: موسسه دار الهمجره.
- کاشف الغطاء، شیخ جعفر (۱۴۲۲). کشف الغطاء عن مبهمات شریعه العراق. اصفهان: مهدوی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۹). الکافی. جلد ششم، قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- گلپایگانی، سید محمدرضا (۱۴۱۴). الدر المنضود فی الأحکام الحدود. جلد دوم.
- مقدس اردبیلی، شیخ احمد (۱۴۰۳). مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان. قم: جامعه المدرسين فی الحوزة العلمیه.
- موسوی خویی، ابوالقاسم (۱۳۸۶). مبانی تکلمه المنهاج القضاء و الحدود. قم: موسسه احیاء آثار امام خویی.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۸۶). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. جلد ۲۶ و ۴۱، چاپ پنجم، تهران: اسلامیة.

